

یادگیری مشارکتی



تهیه و تنظیم: نرگس سادات حسینی، آموزش و پرورش منطقه ۲- بخش اول

برای فراهم آوردن یک محیط یادگیری در هنگام کار با دانش‌آموزان (کودکان) که طی آن فرصت‌های مناسبی فراهم آید، ۶ اصل زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱- برای رفتاری که از دانش‌آموزان خود انتظار دارید الگو و سرمشق باشید. اگر به عنوان معلم رفتاری را از دانش‌آموزان بخواهید که خود خلاف آن عمل می‌کنید قاعدتاً آنان نیز به انتظار و خواسته شما توجهی نخواهند کرد. برای مثال اگر از دانش‌آموزان بخواهید که به دقت به سخنان یکی از اعضای گروه گوش فرا دهند رفتار شما نیز باید نشان دهنده دقت و توجه به سخنان او باشد.

۲- نحوه برخورد و رفتار با دانش‌آموزان باید متعادل و به دور از هرگونه تبعیض و تمایزی باشد. زیرا آنان به سرعت متوجه رفتار غیر منصفانه می‌شوند و این نکته را نیز به خوبی می‌فهمند که اصولاً انتظارات رفتاری معلم از برخی دانش‌آموزان فرق می‌کند.

۳- هنگام تلاش برای افزایش رفتار مشارکتی، تشویق و تمجید الگوهای رفتاری پسندیده و قابل قبولی را در نظر داشته باشید و به رفتارهای ناشایست و غیرقابل قبول پاداش ندهید و التفات بی‌مورد نداشته باشید.

۴- همه دانش‌آموزان می‌خواهند مورد مهر قرار گیرند بنابراین باید به همه آنان نشان بدهید که به آنها و آنچه برایشان اتفاق می‌افتد توجه کامل دارید.

زمانی که مرتکب خطایی شدند نشان دهید که با آن که عملشان غلط و غیرقابل قبول است خودشان مورد پذیرش و توجه هستند.

۵- هدایت بعضی دانش‌آموزان برای مشارکت با دیگران کاری دشوار است. بعضی اوقات چنین دانش‌آموزانی همه طرح‌های تنظیمی شما را خنثی کرده و از بین می‌برند اما لازم است که شما در این زمینه کاملاً صبور و شکیبا باشید.

۶- داشتن پشتکار و ثبات قدم برای برانگیختن علاقه و توجه بعضی دانش‌آموزان به امر مشارکت فعالیتی ارزشمند است. اگر چنین فعالیتی را انجام ندهید معلمی که سال بعد به جای شما می‌آید با مشکل مواجه خواهد شد.

نمودار رشد و تکامل کودکان: ما باید رفتار کودکان را در زمینه رشد شناختی و ذهنی آنان درک کنیم. ممکن است رفتاری که برای یک جوان ۲۰ ساله نامناسب به نظر می‌آید برای یک کودک ۵ ساله کاملاً معقول باشد. آنچه از پی می‌آید انتظارات مناسب و مقتضی از دانش‌آموزان دوره‌های متفاوت تحصیلی را نشان می‌دهد.

لازم به یادآوری است سنینی که کودکان طی آن انواع رفتارهای فهرست شده را نشان خواهند داد متفاوت است. بنابراین سطوح طبقه‌بندی شده تقریبی است.

دوره پیش‌دبستانی: در این دوره کودکان خود محورند و بیشتر متوجه خود و محیط خانه هستند. آگاهی و ادراک آنان از جهان به تجربه مستقیم محدود است. دارای دانش محدودی از جهان خارج از خانه هستند. نمی‌توانند نتایج و عواقب اعمالی را که خارج از

تجربیات آنهاست پیش‌بینی کنند. قانون علت و معلول را صرفاً بر مبنای تجربه عملی و واقعی (مستقیم) درک می‌کنند.

با توجه به این نکات می‌توان گفت که: در این دوره کودکان اساساً موقعیت‌ها را از دیدگاه خویش می‌نگرند و درک و ملاحظه دیدگاه افراد دیگر برای آنان بسیار مشکل است. مگر آنکه این دیدگاه عملی و واضح باشد. برای این کودکان محیط خانه منبع اصلی تأمین امنیت است و به این سبب ممکن است مشکلات موجود در خانه (خانواده) به طریقی در رفتارهای ناپهناج و پرخاشگرانه آنان در مدرسه انعکاس یابد.

کودکان در این دوره کاملاً مراقب و مواظب اسباب بازیها و وسایل خود هستند اما حقوق مشابه دیگران را کمتر درک می‌کنند. به عبارت دیگر ممکن است به گونه‌ای رفتار و عمل کنند که ما آن را راه و روش خودخواهانه بنامیم.

آنها مفاهیم انتزاعی از قبیل: ما باید دیگران را هم در وسایل خود سهیم و شریک کنیم درک می‌کنند اما به آن پاسخ مثبت نمی‌دهند در حالی که به جملات ملموس و عینی نظیر: می‌خواهی با چه کسی عروسک‌بازی کنی؟ جواب می‌دهند و آن را می‌فهمند. بسیاری از کودکان روابط میان اعمال خود و نتایج حاصله را درک نمی‌کنند آنها ذاتاً شیطان و بدجنس نیستند. برای مثال در این سن نتایج احتمالی حرکت ناگهانی به آن سوی خیابان را درک نمی‌کنند.

دوره ابتدایی: در این دوره از خود محوری دانش‌آموزان کاسته می‌شود و آنها به تدریج شروع به نگرستن به جهان پیرامون می‌کنند و خود به دیدگاه‌های افراد دیگر مانند اعضای خانواده و همسالان توجه می‌یابند.

دانش‌آموزان قادر به تفکر منطقی درباره روابط موجود میان پدیده‌ها هستند:

الف - می‌توانند نتایج و عواقب اعمال مربوط به تجربیات گذشته و تجارب افراد دیگر را پیش‌بینی کنند.

ب - می‌توانند تجارب گوناگون را به ترتیب و به گونه‌ای متوالی به خاطر آورند. ج - قادرند براساس تجربیات خویش امور متفاوت را با هم مقایسه کنند. در این دوره دانش‌آموزان تجارب گسترده‌تری از جامعه به دست می‌آورند.

با توجه به این نکات می‌توان گفت که: آنان می‌توانند بدون آنکه فقط بر افکار خود متمرکز باشند افکار و احساسات دیگران را درک کنند. همچنین در این مرحله درک مسایل و مشکلات افراد دیگر در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. در این دوره دانش‌آموزان می‌توانند به تمرکز و تفکر درباره نتایج احتمالی اعمال و فعالیت‌های خود تشویق شوند و بدین‌ترتیب نظارت بیشتری بر رفتار خود داشته باشند. آنان

می‌توانند در مورد تجربیات قبلی خود تفکر کرده و از فعالیتها و اعمال قبلی خود نتیجه‌گیری کنند.

آنان توانایی بیشتری برای کار با یکدیگر و نیز یادگیری از گروه همسالان کسب می‌کنند. در نظام آموزش و پرورش استرالیا که این مطالب با توجه به آن نوشته شده است دوره راهنمایی تحصیلی وجود ندارد.

دوره متوسطه: دانش‌آموزان در این مرحله به گونه فزاینده‌ای از جهان خارج از محیط و جامعه محلی خود آگاه می‌شوند. از نظر جنبه‌های شناختی در این مرحله بعضی دانش‌آموزان قادر به تفکر تعمیمی یا استقرایی هستند.

ادامه دارد

منبع: روزنامه اطلاعات